در «چاردیواری» بخوانید
فوت‌وفن ورزش کردن در روزهای خانه‌نشینی

مروری بر کارنامه حرفه‌ای مجید مجیدی به بهانه سالروز تولد او
به‌رنگ آسمان

روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران
جام جم
WWW.JAMEJAMDAILY.IR

دوشنبه ۲۵ فروردین ۱۳۹۹ | ۱۹ شعبان ۱۴۴۱ | ۲۰ صفحه | سال بیستم - شماره ۵۶۳۳ | استان تهران و البرز ۲۰۰۰ تومان - دیگر استان‌ها ۱۰۰۰ تومان | Monday - 2020 April 13

ایران ۷۵ سال حق عضویت صندوق بین‌المللی پول را پرداخت کرده اما حالا آمریکا مانع دریافت وام ایران از این صندوق برای کنترل کرونا شده است

صندوق بین‌المللی غرب و شرکا

۸

گزارشی از طلاب حوزه علمیه تبریز که داوطلب انجام امور شرعی اموات کرونایی شده‌اند

جهاد در خاکریز آخر

+ گفت‌وگو با آمنه آنتوتن؛ پرستاری که مراسم عروسی‌اش را به روزهای پساکرونا موکول کرد

عکس جام جم

۱۶

ویژه‌ها

سرنوشت برنامه‌های شاخص تلویزیون در ایام کرونایی چه می‌شود؟

کار در شرایط سخت

در این روزها که ویروس کرونا بسیاری از کسب و کارها را تعطیل یا با محدویت‌هایی روبه‌رو کرده است، برخی برنامه‌های صداوسیما هم برای آغاز یا پیگیری تصویربرداری خود دچار چالش شده‌اند و بعضی با رعایت نکات بهداشتی همچنان کارشان را ادامه می‌دهند.

برای مثال «مسابقه ایران» و «دورهمی» جزو برنامه‌هایی است که پخش و تصویربرداری آنها همچنان ادامه دارد....

۵

بیشتر بخوانید

بسیاری از کسب‌وکارها زودتر از وعده رئیس جمهور آغاز به کار کرده‌اند

تهران تعطیل نیست!

۱۸

گفت‌وگو با دکتر حامد پورخرسندی که برای تحقیقات علمی راهی قاره سپید شد

جنوبگان شما را جادو می‌کند

۱۵

نصف شدن مصرف مرغ صنعت مرغداری ایران را دچار بحران کرد

ویروس در بازار مرغ

۳

غرق شدن پسر ۹ ساله بعد از نجات دوستانش از داخل هوتک

بازی با مرگ

۱۹

یادداشت

رمزگشایی از هشدار آمریکا به صندوق بین‌المللی پول

دکتر هادی آجیلی
عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبایی

سلطه واشنگتن بر سازمان‌های بین‌المللی، معضل مزمن و مستمری است که از زمان پایان جنگ جهانی دوم شاهد آن هستیم. بخشی از این سلطه، جنبه ساختاری دارد. به عبارت بهتر، مقامات آمریکایی با نقشی که در پیدایش برخی سازمان‌های بین‌المللی و متعلقات و زیرشاخه‌های آنها ایفا کردند، ساختار و قوانین داخلی و اساسنامه و حدود و ثغور عملکرد این سازمان‌ها را به گونه‌ای تعریف کردند که در نهایت، تضمین‌کننده منافع ایالات متحده باشد. حمایت مالی گسترده آمریکا از سازمان‌های بین‌الملل که خود را در قالب پرداخت حق عضویت‌های کلان سالانه و حتی کمک‌های بلاعوض به این نهادها نشان می‌دهد کاخ سفید کماکان قصد دارد به عنوان تنها بازیگر تعیین‌کننده و صاحب نظر اصلی در این محافل ایفای نقش کند.

اگرچه روسای جمهوری آمریکا بیشتر ترجیح داده‌اند از طریق لابیگری‌های پنهانی و غیرآشکار در سازمان‌های بین‌المللی، اهداف خود را پیش ببرند، اما به نظر می‌رسد دولت ترامپ ابایی از آشکارسازی مناسبات پشت پرده قدرت در سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی ندارد. رئیس جمهور آمریکا هرگونه دستور، درشت‌گویی و حتی یاوه گویی خطاب به سازمان‌های بین‌المللی و حتی تهدید این سازمان‌ها مبنی بر قطع حمایت‌های مالی واشنگتن و خروج از آنها را مصداق احیای عظمت آمریکا می‌داند. دونالد ترامپ این فرمول رفتاری را در قبال بسیاری از سازمان‌های بین‌المللی مانند سازمان تجارت جهانی، سازمان بهداشت جهانی و یونیسف به کار برده است.

این بار دولت دونالد ترامپ در شرایطی که محبوبیت او در نظرسنجی‌های متعدد ایالتی و عمومی در آمریکا روز به روز کمتر می‌شود، صندوق بین‌المللی پول را خطاب قرار داده و در خصوص موافقت این نهاد با وام درخواستی جمهوری اسلامی ایران (بابت مواجهه با شیوع کرونا) هشدار داده است. ارزیابی و تحلیل رفتار ترامپ با توجه به سوابق وی طی سال‌های اخیر چندان دشوار به نظر نمی‌رسد. با این حال، اصل ماجرا که مربوط به ساختار و متعاقبا کارکرد نهادها و سازمان‌های بین‌المللی در قبال تامین حقوق حقه اعضای خود می‌شود، با حضور یا بدون حضور ترامپ در کاخ سفید به قوت خود باقی است.

نگاه

نیروی کار محور جهش تولید است

مهدی صادقی شاهدانی
عضو هیأت علمی دانشگاه امام صادق(ع)

با توجه به مصوبه شورای عالی کار برای افزایش دستمزد کارگران بین ۱۵ تا ۲۱ درصد، طبیعتا این میزان افزایش حقوق برای کارگران راضی‌کننده نخواهد بود؛ چون تورم موجود در جامعه ۴۱ درصد است و در قانون آمده است که میزان حقوق کارگران باید متناسب با تورم افزایش یابد.

تورم موجود در کشور در سالیان اخیر نیز عمدتا به خلق پول بانک‌ها که به مناسبات مختلف (همچون کسری بودجه دولت، تشکیل مؤسسات غیرمجاز و بالا آوردن بدهی توسط آنها) ایجاد شده است، برمی‌گردد. بخشی از تورم نیز مربوط به تعدیل نرخ ارز است، مخصوصا زمانی که میزان صادرات با میزان واردات همسانی ندارد و باید مواد اولیه بسیاری از کالاهای تولیدی به وسیله پرداخت ارز وارد شود. این در حالی است که تولید هنوز شکوفا نشده است و مسیر خودش را نیز به بازارهای بین‌المللی باز نکرده تا تعادل بخشی در بازار ارز صورت گیرد. بنابراین وقتی عدم تعادل در بازار ارز وجود دارد و تقاضا از عرضه بیشتر می‌شود، ناخودآگاه نرخ ارز نیز افزایش پیدا می‌کند.

یکی از اجزای تشکیل‌دهنده هزینه‌های تولید، جبران خدمات نیروی کار است. طبیعی است اگر بخواهیم نیروی کارمان بازدهی و انگیزه لازم کافی را داشته باشد، باید سبد مصرفی‌اش را متناسب با توان تولیدی‌اش تنظیم کنیم. به عبارت دیگر وقتی میزان تولیدی نیروی کار با میزان هزینه‌های مصرفی‌اش (متناسب با تورم) در یک سطح نباشد، این مسأله، نابودکننده انگیزه آنهاست و نیروی کار را دچار اضمحلال بهره‌وری می‌کند و بهره‌وری‌اش را به شدت کاهش می‌دهد.

بنابراین تحقق جهش و رونق تولید که در سالیان اخیر توسط رهبر معظم انقلاب به عنوان شعار سال انتخاب شده در هاله‌ای از ابهام قرار دارد؛ چون محور توسعه و ترقی تولید نیروی کار است پس باید فکری اساسی برای این موضوع کرد.

تا زمانی که سیاست‌های توسعه تولید را دنبال نکنیم و با تکیه بر شعار ما نمی‌توانیم بازارهای هدف منطقه‌ای و جهانی را فتح نکنیم، به نظر می‌رسد تولید جهش لازم را نخواهد کرد و بازدهی‌اش کم خواهد بود، بنابراین اختلاف نظر بین دولت و کارفرمایان با کارگران همواره ادامه خواهد داشت و همواره کارگران قربانی این سیاست‌های دولت خواهند شد.

درنگ

معضلی به نام تقاطع تصمیم‌ها

احمد نادری
منتخب تهران در مجلس یازدهم

یکی از مسائل مهمی که در بحث حکومتداری وجود دارد موضوع سرمایه اجتماعی است که هسته این سرمایه، بحث اعتماد در ارتباط با مسوولان و مردم است. به این معنی که هر جا اعتماد بیشتری میان مسوولان و مردم وجود دارد قاعدتاً سرمایه اجتماعی نیز بیشتر است و طبیعتاً حرف مردم و حرف مسوولان مطابقت بیشتری دارد. یعنی به نوعی ارتباط متقابل میان مردم و مسوولان با کلید واژه اعتماد و سرمایه اجتماعی شکل می‌گیرد.

اتفاقی که در سال‌های اخیر رخ داده این است که شاهد کاهش سرمایه اجتماعی هستیم. به این معنا که مردم احساس می‌کنند بعضی از مسوولان با آنها صادق نبوده و منافع مردم را در نظر نمی‌گیرند. این موضوع را می‌توان طی سال‌های اخیر در تصمیم‌گیری‌های مختلف از جمله موضوع قیمت نان یا قیمت بنزین مشاهده کرد. در موضوع کرونا نیز به‌رغم تاکید کارشناسان مبنی بر لزوم قرنطینه کردن، رئیس جمهور ابتدا اعتقاد چندانی به این مساله نداشت و شاهد مقاومت‌هایی در این زمینه بودیم؛ در حالی که این‌گونه تصمیمات ضد و نقیض موجب کاهش اعتماد و سرمایه اجتماعی شده و سرگردانی مردم را به دنبال داشته است و با توجه به پایان برخی محدودیت‌ها در ۲۳ فروردین و رفع برخی دیگر از محدودیت‌ها در ۳۰ فروردین، خیلی از مردم هنوز تکلیف خود را نمی‌دانند.

وقتی مردم احساس می‌کنند دولتمردان منافع آنها را در نظر نگرفته یا با آنها صادق نیستند در نتیجه پایبندی چندانی نیز به تصمیمات آنها ندارند. سرگردانی فعلی بعضی از اقشار جامعه نیز نتیجه این گونه تصمیم‌گیری‌هاست.

اساسا فلسفه دولت (به معنای کلیتی که عهده‌دار امر سیاسی در دوره مدرن است) این است که تصمیمات کارشناسانه و قاطع اتخاذ کند. این در حالی است که مشاهده می‌کنیم تصمیمات مربوط به کرونا در مقاطعی همراه با تردید بوده، به همین دلیل نیز شهروندان نمی‌دانند دقیقا چه کاری باید انجام دهند. پس مسوولان باید با مردم شفاف باشند و با قاطعیت تصمیم بگیرند تا به این ترتیب کم‌کم اعتماد مردم بازگشته و سرمایه اجتماعی ترمیم شود.

دیدگاه

بین بازنشستگان فرق نگذارید

علیرضا حیدری
نایب‌رئیس اتحادیه پیشکسوتان کارگری

خواسته بازنشستگان کارگری مربوط به تصمیمات یک سال اخیر نیست بلکه به گذشته برمی‌گردد و سال‌هاست پیگیر همسان‌سازی حقوقشان هستند.

دولت برای همسان‌سازی حقوق بازنشستگان، لشکری، کشوری و تامین اجتماعی قوانینی را تصویب کرد و حتی در برنامه‌های توسعه هم به این موضوع اشاره شده اما تنها برای بازنشستگان لشکری و کشوری اجرا شد و بازنشستگان تامین اجتماعی جا مانده‌اند. دولت هر بار برای همسازی حقوق بازنشستگان تامین اجتماعی نداشتن منابع را مطرح می‌کند. سابقه حق بیمه بازنشستگان تامین اجتماعی با سایر صندوق‌ها متفاوت است، به طوری که برخی بازنشستگان تا ۳۵ سال حق بیمه می‌پردازند که صندوق‌های دیگر چنین سابقه‌ای ندارند.

برای سال جاری قانونی مصوب شد که بازنشستگان نباید کمتر از دو میلیون و ۸۰۰ هزار تومان دریافت کنند و دولت برای بازنشستگان لشکری و کشوری اقدام کرد اما انتظار می‌رفت در بودجه سال جاری این موضوع را بررسی می‌کرد. اقدام دولت برای بازنشستگان لشکری و کشوری بسیار مناسب و لازم بود و باید به وضعیت معیشت بازنشستگان رسیدگی شود اما خواسته جامعه کارگری بازنشسته این است که به بازنشستگان این بخش هم اهمیت داده شود.

خواسته اصلی جامعه بازنشسته کارگری همسان‌سازی حقوق است. اکنون برخی بازنشستگان یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومان که با افزایش حقوق امسال نهایتاً به یک میلیون و ۸۰۰ هزار تومان دریافت می‌کنند و انتظار داریم دولت بین بازنشستگان تفاوتی قائل نشود تا این بخش هم بتواند از مزایای مناسبی برخوردار شود. تعداد بازنشستگان تامین اجتماعی در مقایسه با بازنشستگان لشکری و کشوری بسیار بیشتر است و ۱۳ هزار میلیارد تومان نیاز است که در مرحله اول همسان‌سازی حقوق آنها انجام شود اما دولت فقط ده هزار میلیارد تومان به بازنشستگان لشکری و کشوری تخصیص داد و بازنشستگان تامین اجتماعی را در برنامه مالی خود قرار ندادند.

دریچه

آن روی سکه کووید-۱۹

مجید اخشابی
خواننده و آهنگساز

همچنان افکار و اخبار این روزها معطوف و مربوط به کروناست، از انواع و اقسام رهنمودها و راهکارها و شیوه‌های مقابله گرفته تا برشماری و پیش‌بینی تاثیراتی که کرونا بر جوامع مختلف داشته یا خواهد داشت. در راستای تحلیل و تأویل اثرات اجتماعی و کارکردی کرونا قصد دارم در این نوشته از منظری دیگر به ذکر چند نکته بپردازم:

دارایی، مرگ و زندگی: در قدیم می‌گفتند بعد از مرگ هیچ دارایی و ثروتی به کار متوفی نخواهد آمد و البته این پند حکیمانه صرفا با چشیدن طعم مرگ برای افراد جاری می‌شد و اطرافیان هم در حد چند روز این واقعیت را مزمزه می‌کردند اما در این ایام کرونا به ما آموخت که می‌شود حتی در زمان حیات هم مال، اموال، دارایی و ثروت به کار کسی نیاید و آدم‌ها چاره‌ای به جز زندانی کردن خود در محدودترین حالت، آن هم نه به اراده دیگران بلکه کاملا اختیاری و داوطلبانه نداشته باشند.

ثروت: از طرف دیگر از قدیم این آموزه بسیار در گوش نسل‌ها خوانده شده است که مال دنیا یا اساسا پول مثل چرک کف دست می‌ماند. نباید هدف و مقصد انگاشته شود، ولی واقعیت این است دیگر کسی گوشش به این حرف‌ها بدهکار نیست و در رجحان ثروت به علم تقریبا برای کسی جای تردیدی باقی نمانده است... ولی شاید امروز با وجود کرونا بتوان به این باور رسید که واقعا بین غنی و فقیری تفاوت چندانی در کار نیست و اساسا در تحصیل مال و میزان آن، نوع، چگونگی و شیوه جمع آوری آن مطرح است نه مقدار آن.

شیوه درآمد: در این میان معتقد شدیم درآمد حاصل از احتکار، نان به نرخ روزخوری و دولا پهنا فروشی کثیف‌ترین درآمد عالم است و اساسا چنین ثروتی نباید احترامی به دنبال داشته باشد و واقعا اشخاص بی‌فضیلت، صرف داشتن دارایی و ثروت به هیچ وجه نباید محترم دانسته شوند. حتی می‌توان یا باید به برخی ثروت‌ها شک کرد! ثروت‌های افسانه‌ای بادآورده بدون آن‌که پای تحصیلی، سوادی، هنری، خلاقیتی، دستاوردی، ابداعی و نهایتا زحمتی در میان باشد. نیک مبرهن است دلایلی چون هوش اقتصادی، فرصت‌طلبی و دانش اقتصادی اساسا به هیچ آدمی فرصت و امکان حصول دارایی‌های افسانه‌ای و بیشمار را نمی‌دهد و به یقین باید در فرآیند تحصیل اینچنینی اموال راه غیرصواب، موذیانه یا حداقل سوءاستفاده از نادانی و سادگی مردم مطرح باشد. نتیجه این‌که دیگر جامعه نه تنها نباید برای ثروت و ثروتمندان (تاکید می‌کنم از نوع افسانه‌ای و بی‌حساب و غیرعقلی) ارزش قائل باشد، بلکه باید به ثروتشان شک کند.

ونهایتا کرونا به ما آموخت: برای سلامت، خوشبختی و آسایش خود نیاز به سلامت، خوشبختی و آسایش جمعی داریم. در حقیقت بدون منافع جمعی منفعت انفرادی معنایی احمقانه دارد.